

سخن ثبوتی در مراسم افطاری رئیس جمهور

۱۳۹۷/۲/۳۱

باید الزامات تکنولوژی را بپذیریم

روزنامه اطلاعات - صفحه ۳

۲ خرداد ۱۳۹۷

امروز افتخار بزرگی نصیب شده است. مأموریت دارم مطالب کوتاهی از کرده‌ها و خواسته‌ها و آرزوهای دانشگاه‌ها و دانشگاهیان را، اعم از استاد و دانشجو، به عرض برسانم و استدعای بذل توجه کنم. بالطبع به اقتضای شغل سالیان دراز خدمت عینک معلمی به چشم دارم و همه چیز را از منظر یاددادن و یاد گرفتن و دانستن و ندانستن می‌بینم.

حتماً به یاد دارید یک سال پیش شهر به شهر می‌گشتید و مردم خوب کشورمان را از برنامه‌هایی که در صورت انتخاب شدن مجدد، داشتید آگاه می‌کردید. مردم سختان را قبول کردند و به میمنت و مبارکی زمام مدیریت کلان کشور را به جنابعالی سپردند. من مطمئنم مردم از انتخابشان پشیمان نیستند. و مطمئنم اگر همان کارزار انتخاباتی دوباره تکرار شود و گزینه‌ها همان گزینه‌های پیشین باشد مردم دوباره جنابعالی را برخواهند گزید.

جناب آقای رئیس‌جمهور، آیا توجه داشتید بزرگترین و سرزنده‌ترین گروهی که در کارزار انتخاباتی از جنابعالی حمایت کرد جوانان و در بین جوانان دانشجویان بودند. چون آگاه‌تر و دورنگ‌تر از دیگران بودند. اجازه بدهید دانشجو، دانشگاهی و دانشگاه را با اقشار و نهادهای دیگر جامعه مقایسه کنم. سوء استفاده‌های مالی کلان چنددهزار و چندصد هزار میلیاردی از دانشگاه‌ها و دانشگاهیان گزارش نشده است، دروغ و سخن خلاف واقع بزرگی که سیاست‌های داخلی و خارجی کشور را متشنج کند و دشمن بتراشد، از دانشگاه و دانشگاهی شنیده نشده است. تنها ایرادی که به جوان‌ها می‌توانیم بگیریم این است دختر و پسر وقتی به هم می‌رسند می‌خندند و از همدیگر خوششان می‌آید و ممکن است به اقتضای شور جوانی بالا و پائین هم بپرند. ولی مگر راز آفرینش جز این است. چرا می‌کوشیم این خصلت خداداده را از آن‌ها بگیریم. بهتر نیست کمتر سربه سرشان بگذاریم.

این هم درست است که دانشجو و دانشگاهی همیشه ریگی در کفش دارد. به صاحبان مناصب ایراد می‌گیرد، زیاده از حد می‌خواهد بداند، مطالبه‌گر و شفافیت طلب است. ولی مگر نه این است که دنیای امروز دنیای نقد و جستجوگری است و پنهانکاری در آن جایی ندارد؟ مگر نه این است که در دنیای امروز نمی‌توان از تکنولوژی روز بهره‌مند بود و الزامات اجتماعی آن را نپذیرفت؟ به‌طور مثال نمی‌شود شبکه اینترنت ایجاد کرد و بعد سرعت‌اش را پائین آورد یا توییت و تلگرامش را بست که این یا آن مطالبی بین خود رد و بدل نکنند و پنهانکاری‌ها رو نشود. مستی نمونه از خروار عرض کردم.

جناب آقای رئیس جمهور خواسته‌هایی از زبان مدیران وزارتخانه‌های علوم و علوم پزشکی دارم.

*بسیاری از اختیارات قانونی که این دو وزارتخانه تا هفت هشت سال پیش داشتند، از آنان گرفته شده و به شورای انقلاب فرهنگی سپرده شده است. مرحمت کنید این اختیارات را برگردانید. اکثریت اعضای شورای محترم انقلاب فرهنگی، به ندرت با دانشجو، استاد، کلاس درس و محیط دانشجویی تماس دارند یا اگر در گذشته داشته‌اند الان ندارند. یا اصلاً پای بعضی‌شان هیچ‌گاه به دانشگاه باز نشده است. اینان چگونه می‌توانند در مدیریت‌های دانشگاهی تصمیم‌های مدبرانه بگیرند؟ آیا بهتر نیست شورای محترم انقلاب فرهنگی هم خود را مصروف مسائل کلان فرهنگی بدارد، از ورود به مسائل اجرایی پرهیز کند و اشتباه بر اشتباه نیفزاید؟

*تمهیدی بیانیدشید استقلال عمل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به رسمیت شناخته شود. مدیرانشان مجال ابتکار و نوآوری داشته باشند. به عنوان مثال آیا دانشگاه تهران پس از هشتاد و اند سال هنوز به قدر کافی بالغ نشده است که بدانند چه کسی را استخدام کند یا نکند؟

*دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور توانایی‌های علمی و عملی قابل توجهی دارند. وزارتخانه و دستگاه‌های اجرایی به این توانایی‌ها اعتماد کنند. در بحران‌های فراوانی که پیش می‌آید، مانند آب، اقلیم، اقتصاد، و امثال آن‌ها از دانشگاه‌ها یاری بجویند.

سخن آخرم را بگویم و گمان می‌کنم هم‌سخنان فراوانی در این جمع و بیرون از این جمع داشته باشم. انسانی که همیشه پائیده شود و مدام منتظر دستور باشد زبون و بی‌دست و پا بار می‌آید و نهایتاً مصیبت می‌آفریند. نظام اداری کشورمان به این مصیبت گرفتار شده است. چاره‌ای بیانیدشید. شکوفندگی و بالندگی، محیط باز و مجال عرض اندام می‌خواهد. این مجال را در دانشگاه‌ها و خارج از دانشگاه‌ها از جوانانمان دریغ نداریم. مگر نه این است دیر یا زود همه ما عرصه‌های تولید و اقتصاد و خدمات و مدیریت‌های خرد و کلان کشور را ترک خواهیم کرد و زمام کارها را به دست فرزندانمان خواهیم سپرد. چرا همین امروز که می‌توانیم، لوازم بروز و ظهور استعدادهایشان را فراهم نکنیم. شاید نام نیکی هم از خود به یادگار بگذاریم.

خداوند عاقبت همه‌مان را به خیر کند. آمین یا رب العالمین!